

## معرفی

«بیانیه‌ی تکامل» در سال ۱۹۶۸ نوشته شد و اولین بار در کتاب «سیاست‌های وجد یا خلسه» در پیش درآمد فصل آخر «سیاست‌های اعصابی» منتشر شد. از این مقاله به عنوان مانیفستی برای نسل روانگردان یاد شده که به شکل «بیانیه‌ی استقلال آمریکا» (متعلق به سال ۱۷۷۶ میلادی مدل شده است. (کتاب شناسی لیری)

این مقاله در آن سال بارها توسط ناشران زیرزمینی تجدید چاپ شد. در سال ۱۹۷۰ به عنوان یک جزوه چاپی بهانه‌ای برای جمع شدن پول برای تیموتی لیری شد تا با آن بتواند هزینه دفاع‌اش را تامین کند. این اتفاق همزمان با زندانی شدن وی برای داشتن دو عدد ته سیگار ماریجوانا بود.

این اولین و تنها ترجمه فارسی از نوشته‌های تیموتی لیری است. با تشکر از فاضل بابت ترجمه این متن. با تشکر از مایکل هورویتس به خاطر تهیه محتوای تاریخی

-لیزا رین

## خلاصه‌ای از زندگینامه تیموتی لیری

دکتر تیموتی لیری (متولد ۲۲ اکتبر ۱۹۲۰—درگذشت ۳۱ می ۱۹۹۶ میلادی) یکی از تاثیرگذارترین روانشناسان آمریکایی بود. وی بعلاوه یک فیلسوف عملگرا، نویسنده و آینده‌گرا بود که بخاطر تحقیقاتش در زمینه فواید درمانی داروهای روانگردان شناخته شده است. او بیش از سی عنوان کتاب و صدها مقاله منتشر کرده است.

## Introduction

"The Declaration of Evolution" was written in 1968 and first published in Timothy Leary's *The Politics of Ecstasy*, as the opening section of the final chapter, "Neurological Politics." It has been described as "a manifesto for the psychedelic generation, modeled on the 1776 American 'Declaration of Independence'" (Leary Bibliography).

It was reprinted that year in several underground publications, and as a pamphlet in 1970 to raise money for Leary's defense fund, *Holding Together*, after the author was imprisoned for possession of two half-smoked marijuana cigarettes.

This is the first Persian translation of any of Leary's writings.

In view of the intensifying social and political unrest in the Islamic world, we feel that the publication of a Persian translation of this text is timely and important. For this we owe thanks to the translator, Fazel. Thanks also to Michael Horowitz for providing historical context.

-Lisa Rein

## Biographical Note

Dr. Timothy Leary (October 22, 1920 - May 31, 1996) was a highly influential American psychologist, activist philosopher, writer and futurist, who was known for his research into the therapeutic benefits of psychedelic drugs. He published thirty books and hundreds of articles.

# بیانیه ی تکامل

## نوشته ی تیموتی لیری

در هر مرحله‌ای از تغییر و تحول حیاتی و بنیادی واضح است که پروسه و روند تغییر به طور اجتناب ناپذیری در حال منحل کردن مرزهای فیزیکی و عصبی هست، مرزهایی که اعضای یک نسل را به گذشته متصل میکند و ناگزیر آن‌ها را به سمت قبول این موضوع می برد: موقعیت برابر و جدا میان گونه‌ها و انواع مختلف متعلق به زمین که خداوندگار طبیعت و قوانین طبیعت آنها را مستحق آن ساخته؛ یک ارتباط آراسته برای همسازی و توازن میان گونه‌ها که بهتر است علل این تغییر و تحولت تبیین شود.

ما این حقایق را فی‌نفسه بدیهی و آشکار می‌انگاریم:

که تمام گونه‌ها متفاوت اما برابر ساخته شده اند؛

که به هریک از آنها حقوق ویژه و مصنوعی عطا شده؛

در میان آنها می‌توان به آزادی در حیات، آزادی در رشد و آزادی در شاد زیستن بسته به سبک زندگی هر فرد اشاره کرد؛

که جهت محافظت از این حقوق خدادادی، ساختارهایی اجتماعی به طور طبیعی پدیدار می‌شوند که قدرت و نفوذ و اختیارشان را بر اساس قوانین عشق الهی و احترام برای همه شکل‌ها و تجلیات حیات بنا می‌نهند

که آن هنگام که هر نوع ساختار حکومتی تبدیل به نابودگر زندگی، آزادی و توازن شود، این وظیفه خودجوش اعضای جوان آن گونه است که تغییر کند، جدا شود، و ساختار جدید اجتماعی بنیان نهد، که پی‌ریزی قواعد آن بر اساس همان قوانین ازلی باشد و قدرت را چنان جهت دهد که به تامین امنیت، شادی و توازن و هماهنگی همه موجودات دارای شعور بیانجامد.

## Declaration of Evolution

By Timothy Leary

When in the course of organic evolution it becomes obvious that a mutational process is inevitably dissolving the physical and neurological bonds which connect the members of one generation to the past and inevitably directing them to assume among the species of Earth the separate and equal station to which the Laws of Nature and Nature's God entitle them, a decent concern for the harmony of species requires that the causes of the mutation should be declared.

We hold these truths to be self-evident:

That all species are created different but equal;

That they are endowed, each one, with certain inalienable rights;

That among them are Freedom to Live, Freedom to Grow, and Freedom to pursue Happiness in their own style;

That to protect these God-given rights, social structures naturally emerge, basing their authority on the principles of love of God and respect for all forms of life;

That whenever any form of government becomes destructive of life, liberty, and harmony, it is the organic duty of the young members of that species to mutate, to drop out, to initiate a new social structure, laying its foundations on such principles and organizing its power in such form as seems likely to produce the safety, happiness, and harmony of all sentient beings.

خرد ژنتیک برآستی پیشنهاد می‌کند که ساختارهای اجتماعی که مدت زیادی از تاسیس‌شان می‌گذرد نباید برای دلیلی پوچ و انگیزه‌های زودگذر به دور انداخته شوند. وجد و خلصه حاصل از تغییر به طور مساوی بوسیله درد متعادل شده است.

همین گونه است که تجربه نشان می‌دهد که اعضای یک گونه بیشتر مستعد رنج کشیدن هستند، تا زمانی که قابل تحمل باشد، تا آنکه آنچه با که به آن عادت کرده‌اند دور بریزند.

اما هنگامی که زنجیره‌ی بلند سوءاستفاده و غصب، به طور دائم و همیشگی به دنبال همان اهداف نابود کننده‌شان هستند، و توازن صلح آمیز سیاره و هر ساختاری از زندگی طبیعی و ارگانیکی را تهدید می‌کنند، خارج شدن از چنین عادت، و ورود به مرحله جدید برای توسعه تدریجی ساختارهای اجتماعی نو وظیفه‌ی خودجوش اجتماع است.

این همان تحمل رنج مردم آزاده و آزادیخواه این زمین بوده است و اکنون این ضرورت ما را موظف می‌کند که شکل جدیدی از حکومت را ایجاد کنیم.

تاریخ نخ‌نما و دستکاری شده‌ی مردان سفیدپوست که در حال حاضر بر سیاره زمین حکم فرمایی می‌کنند، پر است از نقض قوانین متوازن طبیعت. همه آنها دقیقاً قصد تاسیس یک حکومت استبدادی و ستمگرانه مادی‌گرا دارند به جای یک سیستم نجیب و دوستدار صلح، جوان و نه فقط سفید. برای اثبات این موضوع واقعیت‌های موجود را به قضاوت نسل‌های آتی واگذار می‌کنیم.

این حکمرانان قدیمی سفیدپوست، یک جنگ ادامه‌دار علیه سایر گونه‌های حیات ابقا کرده‌اند، بر هوی و هوس پرندگان و ماهیان و حیوانات را نابود می‌کنند و فرشی مرگبار از سیمان و فلز را بر پیکر نرم زمین می‌گسترند.

آنها همچنین یک موقعیت جنگی ادامه‌دار میان خودشان و بر علیه دیگر نژادهای رنگین‌پوست، دوستداران صلح، مردمان نجیب و جوان برقرار کرده‌اند. نسل‌کشی عادت آنهاست

Genetic wisdom, indeed, suggests that social structures long established should not be discarded for frivolous reasons and transient causes. The ecstasy of mutation is equally balanced by the pain.

Accordingly all experience shows that members of a species are more disposed to suffer, while evils are sufferable, rather than to discard the forms to which they are accustomed.

But when a long train of abuses and usurpations, all pursuing invariably the same destructive goals, threaten the very fabric of organic life and the serene harmony of the planet, it is the right, it is the organic duty to drop out of such morbid covenants and to evolve new loving social structures.

Such has been the patient sufferance of the freedom-loving peoples of this earth, and such is now the necessity which constrains us to form new systems of government.

The history of the used up, mendacious, old white men now ruling the planet earth is a history of repeated violation of the harmonious laws of nature, all having the direct object of establishing a tyranny of the materialistic aging over the gentle, the peace-loving, the young, the colored. To prove this, let Facts be submitted to the judgment of generations to come.

These old, white rulers have maintained a continuous war against other species of life, enslaving and destroying at whim fowl, fish, animals and spreading a lethal carpet of concrete and metal over the soft body of earth.

They have maintained as well a continual state of war among themselves and against the colored races, the freedom-loving, the gentle, the young. Genocide is their habit.

They have instituted artificial scarcities, denying peaceful folk the natural inheritance of earth's abundance and God's endowment.

آنها کمبودهای مصنوعی ایجاد کرده‌اند، و مردم صلح‌جو را از نعمت‌های فراوانی که میراث طبیعی زمین و موهبت و عطای الهی‌ست منع کرده‌اند. آنها معیارهای مادی را به ارزش‌های معنوی برتری بخشیدند.

آنها مدعی مالکیت خصوصی و شخصی زمین خدا شده‌اند و به زور اسلحه عبور بر روی زمین را از انسان آرام گرفته‌اند.

از سر حرص و طمع، مهاجرت و مرزهای ساختگی برپا نمودند و جلوی حرکت آزادانه‌ی مردم را گرفتند.

از سر شهوت کنترل، آنها سیستم‌های آموزش اجباری دایر کرده‌اند تا ذهن بچه‌ها را در اختیار داشته باشند، و دانایی پاک و معصوم و سرزنده‌ی جوانی را نابود کنند.

از سر شهوت قدرت‌طلبی آنها به تمام رسانه‌های ارتباطی تسلط دارند و آنها را کنترل می‌کنند تا از جریان آزاد ایده‌ها جلوگیری کنند و سدی را در برابر ارتباطات حیاتی در میان مردمان آزاده ایجاد کنند.

از سر ترس آنها ارتش‌های بزرگی از پلیس مخفی ساختند تا بر خلوت و تنهایی صلح‌جویان و صلح‌دوستان جاسوسی کنند.

از سر خشم‌شان آنها جوانان آرام را مجبور می‌کنند بر خلاف میل و اراده‌شان به ارتش آنها ملحق شوند و در استخدام جنگه‌ایی کشنده بر علیه جوانان آزاده‌ی دیگر کشورها در آیند.

از سر حرص آنها تولید و فروش اسلحه را پایه و اساس اقتصادشان نهادند.

برای سود آنها هوا، رودخانه‌ها و دریاها را آلوده ساخته‌اند. از سر ضعف آنها قتل و خشونت را در رسانه‌های انبوهشان تجلیل کرده‌اند.

از سر حرص کهن‌شان آنها یک سیستم اقتصادی بنا کرده‌اند که کهن‌سالی را بر جوانی ترجیح می‌دهد.

They have glorified material values and degraded the spiritual.

They have claimed private, personal ownership of God's land, driving by force of arms the gentle from passage on the earth.

In their greed they have erected artificial immigration and customs barriers, preventing the free movement of people.

In their lust for control they have set up systems of compulsory education to coerce the minds of the children and to destroy the wisdom and innocence of the playful young.

In their lust for power they have controlled all means of communication to prevent the free flow of ideas and to block vital communications among the gentle.

In their fear they have instituted great armies of secret police to spy upon the privacy of the pacifistic.

In their anger they have coerced the peaceful young against their will to join their armies and to wage murderous wars against the young and gentle of other countries.

In their greed they have made the manufacture and selling of weapons the basis of their economies.

For profit they have polluted the air, the rivers, the seas. In their impotence they have glorified murder and violence in their mass media.

In their aging greed they have set up an economic system which favors age over youth.

آنها به هر طریقی تلاش می کنند تا یکنواختی رباتوار را تحمیل کنند و تنوع، فردیت، و استقلال فکری را خرد و نابود سازند. از سر حرص و طمع شان آنها سیستم سیاسی ای بنا گذاشتند که قدرت را همواره در دست کهنسالان نگاه دارد، و جوانان را مجبور کند بین انطباق و پیروی سطحی و یا جدایی ناامید کننده یکی را انتخاب کنند. آنها با تفتیش غیر قانونی به حریم خصوصی تجاوز کرده اند، بازداشت های غیر قابل توجیه و آزار و اذیت های اهانت آمیز مرتکب شده اند. آنها جمع کنیری از خبرچینان را به خدمت گرفته اند. از سر حرص و طمع شان ، آنها حامی مصرف کننده ی توتون و قند هستند و بیرحمانه ترین و غیرمعمول ترین مجازات را برای داشتن قلیاها و اسیدهای حیات بخش به کار می گیرند. آنها هیچگاه اشتباه شان را قبول نمی کنند. آنها بی وقفه شیپور حرص و جنگ را می زنند. در تبلیغات شان و در دستکاری اطلاعات آنها بتی (فتیشی) از دروغ های پرسروصدا و وقیح در تقدیس خودپرستی می سازند. اشتباهات بارز آنها، فقط آنها را به اشتباهاتی بزرگ تر و خودپسندی پرسروصدا تر بر می انگیزد. آنها خسته کننده و ملل آورند. آنها از زیبایی متنفرند. از آمیزش جنسی متنفرند. آنها از زندگی متنفرند. ما به آنها بارها برای بی عدالتی و کوری شان اخطار داده ایم. ما هر درخواست ممکن و موجود را به حس خشکیده درستکاری شان نشان دادیم. ما سعی کرده ایم آنها را بخندانیم.

They have in every way attempted to impose a robot uniformity and to crush variety, individuality, and independence of thought.

In their greed, they have instituted political systems which perpetuate rule by the aging and force youth to choose between plastic conformity or despairing alienation.

They have invaded privacy by illegal search, unwarranted arrest, and contemptuous harassment.

They have enlisted an army of informers.

In their greed they sponsor the consumption of deadly tars and sugars and employ cruel and unusual punishment for the possession of life-giving alkaloids and acids. They never admit a mistake.

They unceasingly trumpet the virtue of greed and war. In their advertising and in their manipulation of information they make a fetish out of blatant falsity and pious self-enhancement.

Their obvious errors only stimulate them to greater error and noisier self-approval. They are bores.

They hate beauty. They hate sex. They hate life.

We have warned them from time to time to their inequities and blindness.

We have addressed every available appeal to their withered sense of righteousness.

We have tried to make them laugh.

ما با جزئیات وحشتی را که آن‌ها در حال دائمی ساختن آن هستند، پیشگویی کرده‌ایم . اما آنها نسبت به صدای گریه فقرا ناشنوا هستند، براضطراب و نگرانی رنگین‌پوستان نابینا هستند ، موج تمسخرات جوانان شان را و اخطار شاعران شان را بی‌اعتنایی می‌کنند. فقط پول و قدرت را می‌پرستند و فقط به زبان زور و پول گوش فرا می‌دهند. اما ما دیگر با این زبان گفتگو نمی‌کنیم.

از این رو ما باید تسلیم ضرورت ژنتیک شویم، خودمان را از جنون بی‌تفاوتی آن‌ها برهانیم و جدا سازیم. از این به بعد آنها را در صورتی که در توازن با دیگر مخلوقات پروردگار باشند، برادران و خواهرانی به واسطه زندگی می‌شماریم و در صورت افراط تهدیدی برای زندگی می‌دانیم.

از این رو ما مردان و زنان، خدادوست، صلح‌دوست، دوست‌دار زندگی و شادی، خواهان برترین دوری کائنات برای راستی نیات‌مان هستیم، عمل می‌کنیم به نام و اختیار همه موجودات باشعور، آن‌هایی که به دنبال رشد این سیاره‌اند و به طور رسمی و جدی بیان می‌کنیم که ما مستقل و آزادیم، و از تبعیت به حکومت ایالت متحده‌ی آمریکا و همه‌ی حکومت‌هایی که بوسیله پیرمردان کهنه کنترل می‌شوند، رهایی یافتیم و و خود را در قبیله‌هایی از انسان‌های هم‌فکر گروه‌بندی کرده، ادعای حق کامل برای زندگی و حرکت روی زمین می‌کنیم، احتیاجات‌مان را با دستان و ذهن‌های خودمان بدست می‌آوریم به هر گونه که برای‌مان مقدس بنماید، و هر آن‌چه کنیم که مردان و زنان مستقل به درستی حق انجامش را داشته باشند بی آن که همان حقوق را از سایر گونه‌ها و گروه‌ها دریغ کند.

و برای پشتیبانی از این اعلامیه تکامل با اتکابی استوار برحفاظت از مشیت الهی و آرامشی بی‌پروا حاصل از موافقت نسل‌هایی که خواهند آمد، که به نام آن‌ها سخن می‌گوییم، ما اکنون حیات و سرنوشت‌مان را و تقدس و شرف‌مان را متقابلاً به هم متعهد می‌شویم و گره می‌زنیم.

We have prophesied in detail the terror they are perpetuating. But they have been deaf to the weeping of the poor, the anguish of the colored, the rocking mockery of the young, the warnings of their poets. Worshipping only force and money, they listen only to force and money. But we shall no longer talk in these grim tongues.

We must therefore acquiesce to genetic necessity, detach ourselves from their uncaring madness and hold them henceforth as we hold the rest of God's creatures in harmony, life brothers and sisters, in their excess, menaces to life.

We, therefore, God-loving, peace-loving, life-loving, fun-loving men and women, appealing to the Supreme Judge of the Universe for the rectitude of our intentions, do, in the name and by the Authority of all sentient beings who seek gently to evolve on this planet, solemnly publish and declare that we are free and independent, and that we are absolved from all Allegiance to the United States Government and all governments controlled by used up old men, and that grouping ourselves into tribes of like-minded individuals, we claim full power to live and move on the land, obtain sustenance with our own hands and minds in the style which seems sacred and holy to us, and to do all Acts and Things which independent Freemen and Freewomen may of right do without infringing on the same rights of other species and groups to do their own thing.

And for the support of this Declaration of Evolution with a firm reliance on the protection of Divine Providence, and serenely confident of the approval of generations to come, in whose name we speak, do we now mutually pledge to each other our Lives, our Fortunes, and our Sacred Honor.

## گفتار مترجم

اولین بار صدای تیموتی لیری را در مقدمه یک آهنگ شنیدم. آهنگ Third Eye، آلبوم Salival، اثر گروه Tool. جدای از اینکه با دقت نظر هنرمندان این گروه و ارزش آثارشان آشنا بودم، به تنهایی کلام تیموتی لیری در مقدمه آهنگ نظر مرا به خود جلب کرد، و این سرآغازی بود بر آشنایی با یک شخص و شخصیت کمیابش.

در عصری که رسانه‌ها بر جوامع بشری مسلطند و افکار عمومی را کنترل و هدایت می‌کنند، هستند کسانی که ارزش مهمترین و معروفترین جمله‌ی او را درک کنند:

«برای خودت فکر کن. قدرت را به سوال بکش.»

مترجم تلاش کرده است در ترجمه به فارسی، امانتداری در معنا را رعایت نماید. در پاره‌ای از موارد، معانی مترادف و یا معادل جهت درک بهتر در پرانتز آمده است.

### Translator Note

Fazel Malekie, [fazel.malekie@gmail.com](mailto:fazel.malekie@gmail.com)

The first time I heard Timothy Leary's voice was in the introduction of the song "Third Eye" from the band "Tool" (Salival). I was already familiar with creative and precise artistic visions of the band, but the content of Timothy Leary's speech interested me, and this was the beginning of a knowing process with a special person and rare personality.

In this time, in which media are dominating and controlling the people's mind, there are some who understand the value of this most important figure, and know his belief:

"Think For Yourself. Question Authority."

The translator has tried to keep the true meaning of the text in the Persian translation.